

# فراخوان مشترک جهت شرکت در راهپیمایی اول مه 2018 در پاریس



## رفقا و دوستان مبارز!

ما سه نیروی سیاسی - اجتماعی از همه ی رفقا و دوستان مبارز در پاریس دعوت به عمل می آوریم که بطور متحد در تظاهرات و راهپیمایی روز جهانی کارگر که در تاریخ سه شنبه اول ماه مه برابر با 11 اردیبهشت در پاریس برگزار می شود، شرکت نمائیم و همبستگی خود را با طبقه کارگر جهانی و بویژه کارگران ایران که در ستم سرمایه قرار دارند، ابراز داریم.

کارگران جهان در تمامی ملل چون همیشه تحت استثمار، تبعیض و وضعیت اسفبار فقر مادی از طرف نظام سرمایه داری و دولت ها قرار دارند و در اعتراضات و طرح مطالبات غالبا با سرکوب پلیسی مواجه می شوند، بنابراین برماست که در روز جهانی کارگر و با شرکت فعالانه خود علیه تمامی مظاهر ستم و در دفاع از طبقه کارگر بسیج شویم.

آغاز تجمع برای راهپیمایی: ساعت 14

آدرس محل تجمع: بلوار باستیل بین شماره های 22 و 24 -  
پاریس 12

24 و Boulevard de la Bastille No. 22

زنده باد اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران جهان  
سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی در ایران  
برابری اجتماعی - خود مدیریتی کارگری در نبرد تا  
سرنگونی دولت - قوانین - کارفرمایان  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته زنان ضد سنگسار پاریس

شورای همبستگی با جنبش کارگری - پاریس

جمعی از آنارشیست ها و آنارکوسندیکالیست های پاریس

28 آوریل 2018

---

**فراخوان به مناسبت اول ماه مه،  
روز کارگر**

**[کانون کنشگران دموکرات و سوسیالیست](#)**

# هانوفر ( آلمان ) به مناسبت روز کارگر، اول ماه مه 2018 به زبان آلمانی

---

## فراخوان جمعی به مناسبت روز کارگر

### سال نو کارگری و اول ماه مه بر کارگران جهان خجسته باد !

یک سال کارگری را پشت سر گذاشتیم، سالی که بارزترین شاهد نبرد طبقاتی کار و سرمایه بود. با گذشت چند قرن از حیات سراسر تبعیض سرمایه‌داری جهان معاصر سایه جنگ، نابرابری، فقر، گرسنگی، گرم شدن سیاره زمین و مهاجرت میلیونی انسانها و... بر فراز سر مردم در گشت و گذار است.

در ایران وضعیت کارگران در نتیجهی بختک جمهوری اسلامی به شدت آسیب دیده است. سرکوب سیستماتیک کارگران پیشرو و سازمان‌های مدافع جنبش کارگری از بدو انقلاب به یکی از سیاستهای ثابت رژیم اسلامی تبدیل شده است. این در حالی است که کارگران ایران از تشکل مستقل و سراسری خود محروم اند و فعالان کارگری یا در زندانند و یا با قید وثیقه آزاد و منتظر بازداشت دوباره اند. سرمایه داری استثمارگر ایران از هیچ برنامه و ترفند و حيله ای برای کشیدن شیرِ جان کارگران فروگذار نکرد: مزدهای کارگران را ماه ها و سالها به تعویق انداخت یا پرداخت نکرد، بسیاری از حقوق و مزایای کارگری از جمله سهم حق بیمه کارگران را حذف نمود و یا پرداخت. واحدهای کار را به عناوین واهی تعطیل و هزاران کارگر را بی کار نمود، کارگران اعتصابی و نمایندگان مبارز آنها را اخراج نمود، هر حرکت اعتراضی

را با حمایت دولت و نیروهای نظامی و قضائیش ( که خود بزرگترین سرمایه دار است و نماینده و مدافع منافع سرمایه داران است) سرکوب نمود، کارگران را به زندان انداخت، شکنجه کرد، کشت و یا به خودکشی واداشت و یا ترور کرد. وضعیت کارگران افغانستانی مقیم ایران بعلت تبعیضات و تحقیرات و محرومیت های مضاعف بمراتب وخیمتر است.

در مقابل این همه زور و ظلم و ستم و بی عدالتی و بی حقوقی، کارگران و سایر اقشار زحمتکشان جامعه ساکت ننشستند، در سراسر کشور و در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک در تمام سال و هر روزه، شاهد، اعتراضات، اعتصابات و انواع ابتکارات در تداوم مبارزاتشان بودیم. اعتصابات طولانی گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، هپکو و آذرآب اراک، کارگران شرکت واحد، پتروشیمی ها، کارگران تمام شهرداری ها، مخابرات و ... مبارزات زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران ودانشجویان و بویژه زندانیان سیاسی مبارز و تسلیم ناپذیر و همچنین کشاورزان، مال باخته گان، کولبران، زلزله زدگان و ... که اوج خود را در خیزش سراسری محرومان و ستمدیدگان جامعه در پیوند دادن جنبش نان و کار و آزادی در 8 دیماه 96 نشان داد، نشانه های درخشانی از این مبارزات پیگیر و حق طلبانه در همسویی، همزمانی و همبستگی با یکدیگر بود. سازماندهی کارا، برنامه ریزی های حساب شده و هوشمند، شعارهای محقانه و کوبنده، اتکاء به نیروی خود در شعارهایی نظیر: "اگر نمیتوانند کارخانه را اداره کنند ما کارگران خودمان میتوانیم مدیریت را بدست بگیریم" (کارگران نیشکر هفت تپه) شرکت خانواده ها در راهپیمائی ها و بعضاً حمایت سایر اقشار مردمی از این مبارزات، ویژگی های این دوره را نشان می دهد. نقش برجسته زنان آگاه و مبارز در این مبارزات بسیار چشمگیر است. بویژه حضور آنان در روز 8 مارس با شعار "اشتغال و دستمزد برابر حق همه زنان" و در اعتراض به نابرابری و تبعیض جنسیتی در عرصه اشتغال و معیشت در مقابل وزارت کار نشان از رشد آگاهی این جنبش است که می کوشد با تکیه بر اساسی ترین مطالبات زنان، در جهت پیوند با جنبش کارگری و کمک به متشکل ساختن زنان کارگر به پیش رود. اتحاد کارگران، عزم راسخ در مقاومت و پایداری تا به آخر، نهراسیدن از هرگونه تهدید و خطر و زندان و حتماً مرگ، با اعلام این که: "حمله و دستگیری دیگر اثر ندارد. تا حق مان را نگیریم اعتصاب ادامه دارد" عوامل مؤثری در کسب برخی موفقیت های نسبی و موقتی کارگران و نشانگر پیشروی و تعرضی شدن اعتراضات کارگری در سال گذشته بود، هرچند هنوز بسیاری

از مطالبات به حق کارگران بی پاسخ مانده و به علت عدم توازن قوا به کسب آنها نائل نشدند.

اما نبرد طبقاتی را تا محو کامل طبقات، پایانی نیست، یک سال به پایان رسید، اما سالی نویدبخش و پرتلاطم در پیش روست و همان مطالبات باقی مانده، بستر تداوم مبارزاتی تعیین کننده است. سال پیش رو بشارت دهند. تداوم، گسترش و تعمیق این مبارزات از طریق وحدت عمیق تر، سازماندهی و متشکل شدن گسترده تر تا حد سراسری شدن و یکی شدن این جویبارهای پراکنده و برآمدن سیلی خروشان در برهم زدن توازن قوا به سود کارگران است. کارگران آگاه و مبارز فولاد اهواز به درستی گفتند و بشارت دادند که: " امروز تنها راه مقابله با مطالبی که بر ما می‌رود فقط و فقط اتحاد بین کارگران همه صنایع در همه جای کشور است. قدرت و توان ما برای ایستادگی در برابر زورگویان و سرمایه داران زرپرست با یکپارچگی و بهم پیوستگی مان بیشتر و بیشتر خواهد شد. به امید روزی که همه ما کارگران این سرزمین همصدا و همنوا پای مطالبات خود و ایفای نقش در تعیین سرنوشت خود محکم و استوار بایستیم."

با این رهنمود نوید بخش و در این روز خجسته اول ماه مه، روز اتحاد و مبارزه طبقه کارگر جهانی، به پیشواز سال نو کارگری می رویم، و با امید به آینده ای روشن پرچم پیروزی های بزرگتر طبقه کارگر را به اهتزاز در می آوریم.

**خجسته باد روز اول ماه مه!**

**پیروز باد مبارزات گسترده طبقه کارگر ایران و جهان!**

**برقرار باد تشکل سراسری و مستقل کارگران در ایران!**

**سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!**

**"شبکه کنش مشترک"**

11 اردیبهشت 1397 - اول ماه مه 2018

امضاها به ترتیب الف با:

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس

انجمن سوسیالیستها - سوئد

انجمن فرهنگی - اجتماعی اندیشه - گوتنبرگ - سوئد

جمعیت کردهای مقیم فرانسه  
حمایت از جنبش مردم ایران - ماینس - آلمان  
شبکه فعالین کارگری در دفاع از مطالبات کارگران ایران ( کلگری ) -  
کانادا  
شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی ( فریاد خاوران ) - سوئد  
شورای همبستگی با جنبش کارگری - پاریس - فرانسه  
شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن - انگلستان  
کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین - آلمان  
کانون سیاسی پناهندگان در شهر مونستر - آلمان  
کانون کنشگران دموکرات و سوسیالیست - هانوفر - آلمان  
کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ - سوئد  
کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - فرانکفورت - آلمان  
کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - هانوفر - آلمان  
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین - آلمان  
کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - سوئیس  
کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - شیکاگو - آمریکا  
کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - فرانکفورت - آلمان  
کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور  
همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

---

## بیانیه تشکلهای مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل مزد سال 1397

هنوز مدت کوتاهی از خیزشهای مردمی در سطح کشور علیه گرانی و فقر و فلاکت سپری نشده است که نهادهای دست ساز کارگری و دولت و کارفرمایان، خیمه شب بازیهای هر ساله خود را برای تعیین حداقل

مزد آغاز کرده اند و با همان سبک و سیاق همیشگی و نشان دادن چند مترسک در مقام نماینده کارگران در نهادی به نام شورای عالی کار، در صدد تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر به میلیون‌ها کارگر و مزد بگیر زحمتکش هستند.

روندی که طی هفته های گذشته در مورد چگونگی تعیین حداقل مزد سپری شده است بیانگر این است که در به همان پاشنه سابق خواهد چرخید و پس از چند صباحی معرکه گیری توسط نهادهای دست ساز کارگری، نماینده های آنان امضای خود را به پای حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر خواهند گذاشت.

پیشبرد چنین سیاست‌هایی در طول دهه ها و سال‌های گذشته، دیگر چیزی جهت از دست دادن برای طبقه کارگر ایران باقی نگذاشته است که حال تقلای ریاکارانه نهادهای دست ساز کارگری برای تعیین سبد هزینه زندگی و طرح برخی واقعیات از سوی آنان و رسانه های حکومتی بتواند به عنوان سوپاپ اطمینان و ترمزی در مقابل مطالبه گری کارگران، اعتراضات خیابانی آنان و توده های مردم زحمتکش به جان آمده از وضعیت موجود عمل کند.

تعیین دستمزد به روال سال‌های گذشته و افزایش ده - پانزده درصدی حداقل مزد کنونی، در حالی که این مبلغ در شرایط حاضر کفاف هزینه ده روز زندگی یک خانوار چهار نفره را نمیدهد و تا به همین جای سال، ارزش دلار بیش از 30 درصد بالا رفته است و به زودی این افزایش قیمت بر روی سفره های ما کارگران خود را نشان خواهد داد معنایش چیزی جز لگد مال کردن تمام و کمال منزلت انسانی ما کارگران، گرسنگی مفرط فرزندانمان، باز ماندن آنان از تحصیل، گسترش پدیده کودکان کار، یاس و درماندگی از گذران زندگی و افزایش خودکشی ها، گسترش پدیده زباله گردی و کارتن خوابی و تن فروشی و کلیه فروشی و سلب حق حیات از ما کارگران نیست.

از نظر ما امضا کنندگان این بیانیه و طبقه کارگر ایران، اعضای شورای عالی کار از نماینده های دست ساز کارگری تا نماینده های کارفرمایان و وزیر کار با معرکه گیری‌هایی که بر سر تعیین سبد هزینه و حداقل مزد انجام می‌دهند و دست آخر امضای خود را به پای حداقل مزد چندین برابر خط فقر می‌گذارند همگی شریک جرم مصائب بی شماری هستند که با حداقل مزد زیر خط فقر، زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری را در خود فرو می‌برد.

این واقعیت عریان که نماینده های مجلس و مدیران دم و دستگاه دولتی و نهادهای شبه دولتی و وابسته به حوزه قدرت از حقوقهای نجومی برخوردارند و غارت و چپاول ثروت‌های اجتماعی توسط آنان بیداد می‌کند و در این طرف، حکومتگران برای برخورداری ما کارگران از یک زندگی بخور و نمیر هزار و یک بهانه می‌تراشند و صدها میلیارد تومان خرج نیروی سرکوب برای به تمکین واداشتن ما به زندگی با دستمزد چندین برابر خط فقر می‌کنند، فقط یک راه پیش پای ما کارگران می‌گذارد و آن سازماندهی و دست بردن به اعتصابات و اعتراضات سراسری است.

اعتراضات و اعتصابات محلی و سراسری برای دست یابی به دستمزدی مطابق با استانداردهای زندگی امروز بشر حق مسلم ما کارگران است و ما امضا کنندگان این بیانیه بدین وسیله با تاکید بر تداوم و تشدید مبارزاتمان علیه تصویب حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر، از عموم کارگران در سراسر کشور، به ویژه کارگران صنایع کلیدی همچون نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع خودروسازی و فولاد و معادن نیز می‌خواهیم تا به نحو مقتضی و از طریق تجمع در محل کار و یا اعتصاب و اعتراض خیابانی به طور متحدانه‌ای خواهان افزایش حداقل مزد بر مبنای سبد هزینه که امروزه 5 میلیون تومان است، بشوند.

همچنین، ما تشکلهای مستقل کارگری امضا کننده این بیانیه به عنوان نماینده بخشهایی از طبقه کارگر ایران و فریاد حقخواهی میلیونها کارگر، با هشدار به حکومتگران که با نادیده گرفتن خیزشهای مردمی علیه گرانی و فقر و فلاکت، همچنان سیاست تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر را دنبال می‌کنند اعلام می‌داریم دیگر دوران روال تا کنونی تعیین حداقل مزد و تحمیل فقر و فلاکت به طبقه کارگر ایران به سر آمده و بدیهی است پیشبرد هرگونه سیاستی جز پایان دادن به فقر و فلاکت و تمکین به مطالبات بر حق ما کارگران، با خیزشهای بزرگتر و زیر و رو کننده تری از سوی طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش مردم ایران مواجه خواهد شد.

5 اسفند 1396

**اتحادیه آزاد کارگران ایران**

**انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه**

**سندیکای نقاشان استان البرز**



# بیانیه سندیکاهای اروپایی برای آزادی فوری رضا شهابی

## Déclaration

### Liberté immédiate et sans condition pour Reza Shahabi

Les organisations de travailleurs soussignées suivent avec attention depuis longtemps la situation de Reza Shahabi, membre du conseil d'administration du Syndicat des travailleurs de la compagnie de bus de Téhéran et de la banlieue. Les activités de Reza Shahabi en faveur des droits des travailleurs en Iran se situent entièrement dans le cadre des conventions de l'OIT. Or, Reza Shahabi a été arrêté plusieurs fois pour ses activités et a passé près de six ans en années en prison

Selon le Syndicat des travailleurs de la compagnie d'autobus de Téhéran et de la banlieue, Reza Shahabi, après avoir été ramené dernièrement en détention a été condamné arbitrairement à une prolongation de peine de prison, dont une nouvelle peine d'un an et de 968 jours supplémentaires. Il souffre de diverses pathologies causes par la torture et le manque d'infrastructures de santé en prison durant ces années. En signe de protestation, il a entamé une grève de la faim et a mis fin à la grève seulement lorsque le directeur de la prison a promis de reconsidérer toutes ces nouvelles peines d'emprisonnement. Mais rien ne s'est passé

Nous avons appris récemment qu'il avait été victime d'un accident vasculaire cérébral en prison il y a quelques jours. Sa vie est donc en danger

Les signataires de cette lettre s'opposent à l'emprisonnement de Reza Shahabi et exigent sa libération immédiate et inconditionnelle afin de lui permettre de bénéficier de soins médicaux appropriés correspondant à l'état de sa santé

Nous rappelons également qu'en tant que membre de l'OIT, la République islamique d'Iran doit respecter les conventions fondamentales dont la liberté d'association et la négociation collective

Décembre 2017 25

## **Statement**

### **Free Reza Shahabi immediately and unconditionally**

The undersigned workers' organizations have been following the situation of Reza Shahabi, a member of the board of directors of the Syndicate of Workers of the Bus Company of Tehran and the Suburbs, for many years. Reza Shahabi's activities in defence of the rights of workers in Iran are entirely within the framework of the internationally recognized standards and the ILO conventions. Reza Shahabi has been arrested many times for his activities and has spent about 6 years in prison

According to the Syndicate of Workers of the Bus Company of Tehran and the Suburbs, Reza Shahabi, after being recalled to prison, was sentenced arbitrarily to extended prison terms including the time he was on medical leave, which means a new one-year prison sentence and 968 extra days of imprisonment to "compensate" untold circumstances. He has suffered various diseases as a result of torture and the lack of health

facilities in prison during these years. In protest he went on hunger strike and ended it only when the directors of prison promised to reconsider all these alleged new prison terms. But nothing happened

Now we have learned that he suffered a slight cerebral stroke in prison a few days ago. His life is in danger

The signatories of this letter object to the imprisonment of Reza Shahabi and demand solemnly his immediate and unconditional release in order to let him to profit from a proper medical care corresponding to his deteriorated health conditions

We also recall that, as a member of the ILO, the Islamic Republic of Iran must respect fundamental ILO standards, including freedom of association and collective bargaining

December 2017 25

**(Confédération Française Démocratique du Travail (CFDT- France**

**(Confédération Générale du Travail ( CGT- France**

**(Fédération Syndicale Unifiée (FSU- France**

**(Union Syndicale Solidaires (SUD – France**

**((Union Nationale des Syndicats Autonomes (UNSA – France**

**(Confederazione Generale Italiana del Lavoro (CGIL- Italia**

**(Confederación Sindical de Comisiones Obreras (CCOO – Espania**

**(Swedish Trade Union Confederation (LO- Sweden**

**(Swedish Transport Workers' union (Sweden**

**Transport Industrial and Metal Workers' Union (IF Metall –  
(Sweden**

**(Swedish Municipal Workers' Union (Kommunal – Sweden**

## بیانیه

### آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی

سازمان های کارگری امضاء کننده، از مدت های مدیدی است که وضعیت رضا شهابی، عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، را با دقت دنبال می کند. فعالیت های رضا شهابی برای احقاق حقوق کارگران در ایران کاملاً در چارچوب معاهدات به رسمیت شناخته در سطح جهانی و سازمان جهانی کار بوده است. با این وجود رضا شهابی در گذشته بارها به خاطر فعالیت های اش دستگیر شده و نزدیک به شش سال در زندان بسر برده است.

به استناد سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اخیراً پس از آن که رضا شهابی را دوباره زندانی می کنند خودسرانه بر مدت محکومیت اش علاوه بر یک سال، ۹۶۸ روز دیگر هم می افزایند. رضا شهابی از بیماری های بسیاری رنج می برد که معلول شکنجه در زندان و فقدان مداوا و معالجه در طی سال های طولانی حبس می باشند. او در اعتراض به اعتصاب غذا متوسل می شود و تنها پس از آن که مدیر زندان قول تجدید نظر تمام محکومیت های اخیرش را می دهد، او به اعتصاب غذای خود پایان می دهد. اما تا به امروز به هیچیک از اعتراضات او پاسخ داده نشده.

مطلع شده ایم که رضا شهابی اخیراً در زندان دچار سکتة مغزی شده است. جان او در خطر است.

ما امضاء کنندگان این نامه به زندانی شدن رضا شهابی اعتراض داریم و رسماً خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط او هستیم تا او امکان یابد که از معالجات و مراقبت های درمانی مناسب و شایسته برخوردار شود.

مضافاً خاطر نشان می شویم که جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک عضو سازمان جهانی کار، ملزم به رعایت تعهدات خود در قبال معاهدات بنیادی آن سازمان، از آن جمله آزادی تشکل و مذاکرات جمعی است.

<b>Confédération Française Démocratique du Travail CFDT- France</b>	سندیکای س.اف.د.ت. (فرانسه)
<b>Confédération Générale du Travail) ( CGT- France</b>	سندیکای س.ژ.ت. (فرانسه)
<b>Fédération Syndicale Unifiée (FSU-) France</b>	سندیکای اف.اس. او. (فرانسه)
<b>Union Nationale des Syndicats Autonomes ( (UNSA – France</b>	سندیکای سولیدر- سود. (فرانسه)
<b>Union Nationale des Syndicats Autonomes ( (UNSA – France</b>	سندیکای اونسا (فرانسه)
<b>Confederazione Generale Italiana del Lavoro ((CGIL- Italia</b>	سندیکای س.ژ.ای. ال. (ایتالیا)
<b>Confederación Sindical de Comisiones Obreras ((CCOO – Espania</b>	سندیکای س.س.او.او. (اسپانیا)
<b>Swedish Trade Union Confederation ((LO- Sweden</b>	سندیکای ال.او. (سوئد)
<b>Swedish Transport Workers' union ((Sweden</b>	سندیکای ترانسپورت (سوئد)
<b>Transport Industrial and Metal Workers' Union ((IF Metall – Sweden</b>	سندیکای ای.اف. متال (سوئد)
<b>Swedish Municipal Workers' Union ((Kommunal – Sweden</b>	سندیکای کمونال (سوئد)

---

# تاریخچه سندیکای کارگران شرکت واحد به مناسبت سالگرد اعتصاب رانندگان شرکت اتوبوس رانی تهران در 4 دی 1384

برگرفته از: کانون مدافعان حقوق کارگر

در ۱۴ تیر ۱۳۳۵ شرکت اتوبوسرانی واحد افتتاح شد و اولین اتوبوس از میدان فردوسی به سمت بازار حرکت کرد. [1] به دنبال آن در سال ۱۳۳۶ اولین هیات موسس سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آغاز به کار کرد. این هیات موسس دفتری را در زیرپل چوبی اجاره کرد. با تلاش های اعضای این هیات موسس، سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با شماره ثبت ۸۲ تشکیل شد و در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۳۷ جشنی برای افتتاح سندیکا در تماشاخانه تهران واقع در لاله زار برپا شد. [2]

در مهر ۱۳۳۷ اولین انتخابات هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه برگزار شد. و فرج فرج الهی به عنوان رئیس هیات مدیره و یوسف ساروخانیان به عنوان دبیر انتخاب شده بود. اولین اعتصابی که پس از تاسیس سندیکا شکل گرفت در سال ۱۳۳۹ بود هر چند هیات مدیره سندیکا با این اعتصاب مخالف بود. در این سال شرکت واحد از دادن حق عایله مندی به رانندگان خودداری و روز جمعه را روز کار محسوب کرده بود و بابت نیامدن به سرکار در روز جمعه کارگران جریمه می شدند. رانندگان در اعتراض به این مسایل دست به اعتصاب زدند. رانندگان با پارک کردن اتوبوس های خود در کنار خیابان و در سکوت کامل بر روی جدول کنار خیابان نشستند.

پلیس آگاهی تهران به محض اطلاع از این موضوع با دستگیری رانندگان اعتصاب را درهم شکست. رانندگان اعتصابی به طور دسته جمعی اخراج

شدند. هیات مدیره به دبیری یوسف ساروخانیان با کارفرما وارد مذاکره شد. در این مذاکرات کارفرما حق عایله مندی را پذیرفت و پس از آزادی رانندگان زندانی، رانندگان به کار بازگشتند.

در سال ۱۳۴۰ در جریان بازدید نخست وزیر وقت علی امینی از شرکت واحد، اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در محل تعمیرگاه شرکت واقع در نارمک جلسه ای با وی داشتند. در این جلسه مذاکره کنندگان به کسر مالیات از حقوق ناچیز کارگران اعتراض کرده و خواستار رفع این مشکل شدند. پس از این جلسه قرار شد این مالیات از سودحاصله از درآمد خود شرکت واحد کسر شود و بدین سان کارگران شرکت واحد تا سال ۱۳۵۹ از کسر مالیات از حقوقشان معاف شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از انقلاب فعالیت خود را ادامه داد. اما به تدریج از فعالیت تمام تشکل های کارگری جلوگیری شد و شوراهای اسلامی کار جایگزین آنان شدند.

اواخر سال 1383 برخی از رانندگان شرکت واحد با استناد بر مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار - که آزادی تشکلهای کارگری و پیمانهای دسته جمعی را برای کشورهای عضو این سازمان الزامی می داند - اقدام به بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد کردند. آنان حسینیه ای را در محل انجمن صنفی خبازان واقع در میدان حسن آباد گرفته و اقدام به برگزاری کلاسهای آموزشی کردند. تعدادی از فعالین کارگری در این کلاسها آموزشهای لازم را به رانندگان داده و به این طریق و رانندگان با برخی از مبارزات کارگران و فعالان کارگری در گذشته ، آشنا می شدند. در این کلاسها حقوق اولیهی انسانی، بخشهایی از قانون اساسی، روابط کار، قانون کار و دانستنیهای سندیکایی، سیاست های جهانی سازی و ... آموزش داده می شد. به رغم آنکه عوامل امنیتی به صورت نامحسوس در تمامی جلسه های هفتگی حضور داشتند، این فعالیت ها ادامه یافت. کارگران آموزش دیده با همکاران دیگرشان در خطوط ارتباط برقرار می کردند و در مورد حقوق و مطالبات عقب افتاده، حق مسکن و طرح طبقه بندی مشاغل صحبت می کردند و آموزشهای لازم را در مورد بهداشت و ایمنی کار، جایگاه رانندگان در حمل و نقل و فواید داشتن تشکل و سندیکای کارگری به طور فردی به آنها می دادند. این ارتباطات به صورت چهره به چهره تا پایان سال 83 به صورت مستمر ادامه داشت، اما از ابتدای سال 84 شکل پیگیرانه و جدی تری به خود گرفت. از هر منطقه ی شرکت واحد یک نفر در هیئت مؤسس حضور داشت و هر کدام از آنان در

مناطق خودشان به همراه کارگران آگاهی که قبلاً آموزشهای لازم را دیده بودند، به صورت علنی در توقفگاهها، پایانهها، خطوط و سرویسهای کارگری با همکارانشان در مورد مسائل صنفی گفتگو میکردند. از ابتدای سال 84 به صورت علنی رانندگان به انجمن صنفی خبازان در میدان حسنآباد دعوت میشدند؛ روزهای جمعه جلسه برگزار میشد و رانندگان از تمامی منطقهها در آن شرکت میکردند و مشکلات کاریشان را مطرح میکردند. این جلسهها اوایل با 50-60 نفر تشکیل میشد، اما به تدریج تعداد رانندگان بیشتر و بیشتر میشد. به دلیل کمبود جا، جلسهها روزهای پنجشنبه و جمعه تشکیل میشد و روزهای عادی به صورت نوبتی هر روز یکی از اعضای هیأت مؤسس در حسینیهی خبازان کشیک میماند و نظرات رانندگان را میشنید و از آنان برای تشکیل سندیکا امضا میگرفت. در این جلسات فرصتی هم به شکل نوبتی به رانندگان داده می شد تا در مورد مسائل و مشکلات کاریشان و معضلات مناطق خودشان صحبت کنند.

یکی از فعالیت های هیئت مؤسس جمع آوری اخبار منطقه و خطوط با کمک خود رانندگان بود. هفته ای یک بار این گزارشها توسط اعضای هیئت مؤسس بررسی میشد. مقاله های آموزشی و بولتن های آشنایی با قانون اساسی، حقوق کار، روابط کار و ایمنی کار تهیه و در اختیار کارگران قرار داده میشد. همچنین نامه های زیادی با امضای هیئت مؤسس در رابطه با مشکلات رانندگان، کارکنان، مناطق و شرکت واحد به مسئولین شرکت واحد، شورای شهر و وزارت کشور نوشته شد و درخواست شد که وضعیت رانندگان را از لحاظ حقوق و اجرای طرح طبقه بندی، کمک راننده و مسکن بهبود ببخشند، هر چند هیچ پاسخی به آنها داده نمی شد.

پس از ماهها فعالیت مستمر و ارتباط چهره به چهره، تعداد زیادی از رانندگان درخواست تشکیل سندیکا کردند. امضاهای جمع آوری شده از کارگران به اداره ی کار تسلیم شد. به دنبال جدی شدن مساله تشکیل سندیکا، عوامل خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی با همکاری مدیریت شرکت واحد و حراست و عوامل امنیتی، ترتیب حمله به محل سندیکای شرکت واحد را دادند. این حمله در تاریخ 19 شهریور 84 صورت گرفت و افرادی مانند حسن صادقی (رییس هیأت مدیره ی کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار)، احمدی پنجکی (رییس هیأت مدیره ی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان)، حسن فرجی (رییس کانون شهرستان ورامین) در آن شرکت داشتند. در این حمله چند نفر از فعالان سندیکایی زخمی شدند و هرچه در سندیکا بود به یغما رفت. این امر نه



تنها سبب ترس رانندگان مصمم شرکت واحد نشد بلکه روند بازگشایی این سندیکا تسریع شد. اولین جلسه مجمع عمومی به دلیل به حد نصاب نرسیدن حاضران تشکیل نشد. سپس از طریق روزنامه و همچنین ارتباطات گسترده‌ای که با بخش‌هایی از رانندگان وجود داشت، بار دیگر تاریخ مجمع عمومی برای 19 خرداد اعلام شد.

این بار هیأت مؤسس از برای ثبت‌نام و کاندیداتوری هیأت مدیره سندیکا دعوت کرد. حدود 60 نفر در تمامی منطقه‌ها به عنوان کاندید ثبت نام کردند. اما روز انتخابات رانندگان حسینه‌ی خبازان را در محاصره نیروی انتظامی یافتند. در آن روز تعدادی از کارگران فعال دستگیر شدند، اما رانندگان با شنیدن این خبر در خیابان‌های اطراف حسینه راه‌پیمایی کردند و در میدان حسن‌آباد تجمع کردند. رانندگان خواستار آزادی همکاران خود و انجام انتخابات بودند. حوالی ظهر همه دستگیر شدگان آزاد و به جمع رانندگان در میدان حسن‌آباد پیوستند. نیروی انتظامی درخواست متفرق شدن داشت اما پافشاری و اصرار رانندگان باعث شد که مسئولان و نیروی انتظامی عقب‌نشینی کنند و با دستور شورای تأمین استان، شرایط برای انجام انتخابات فراهم شود. پس از برگزاری مجمع و تصویب اساسنامه، در حضور مأموران انتظامی و لباس‌شخصی و همچنین نماینده‌ی وزارت کار، رانندگان در دسته‌های 10 نفری وارد حسینه می‌شدند و نمایندگان خودشان را انتخاب و محل را ترک می‌کردند. پس از اتمام شمارش آرا، 19 نفر به عنوان هیئت‌مدیره و 2 نفر به عنوان بازرس انتخاب شدند و پس از استراحت کوتاه نیم‌ساعته، اولین جلسه‌ی هیأت‌مدیره برگزار شد.

پس از تشکیل هیئت‌مدیره و انتخابات داخلی و مشخص شدن کمیسیون‌ها، فعالیت و کار اعضا متشکل‌تر و رسمی‌تر شد. جلسه‌های آموزشی هفتگی و جلسات هیئت‌مدیره برگزار می‌شد. اعضای سندیکا پی‌گیر مشکلات رانندگان در مناطق و خطوط بودند و هر هفته گزارشی از یک منطقه در هیأت‌مدیره مطرح می‌شد و در این جلسه‌های هفتگی به سؤالات رانندگان در مورد مشکلات کاری از جمله وضعیت اتوبوس، مرخصی، تعمیرگاه، برخورد کنترل خطوط با رانندگان و ... پاسخ داده می‌شد.

هیأت‌مدیره‌ی سندیکا هر هفته گزارشی از نمایندگان مناطق دریافت می‌کرد و در جلسه‌های خود حرف‌ها و درد دل‌های رانندگان را می‌شنید و ضبط می‌کرد و بعد از بررسی آن‌ها، با مسئولان شرکت واحد گفت‌وگو می‌کرد و در صورت عمل نکردن با شورای شهر و وزارت کشور مکاتبه و مسائل، مشکلات و درخواست‌های رانندگان را اعلام می‌کرد. عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران سبب شد که آنان برای دستیابی به خواسته‌ها

و حل مشکلاتشان به اعتصاب متوسل شوند. اولین اعتراض روشن کردن چراغ‌های اتوبوس‌ها در تاریخ 16 مهر 84 بود. در جریان این حرکت، در روزی آفتابی تمام چراغ‌های اتوبوس‌ها در سطح شهر تهران روشن شد که در جامعه بازتاب داشت و چند نفر از اعضای هیئت‌مدیره در همان روز در دفتر رئیس‌جمهوری حاضر شدند و مشکلات رانندگان را مطرح کردند. بی توجهی به این خواسته‌ها و اعتراض رانندگان، دومین اعتراض با فاصله‌ی پانزده روز به شکل نگرفتن بلیط از شهروندان شکل گرفت. تا دی‌ماه 84 نه‌تنها مشکلی از دوش کارگران برداشته نشد بلکه تعداد دیگری از اعضای هیئت‌مدیره نیز بازداشت شدند. این بی‌توجهی‌ها به خواسته‌های کارگران و بازداشت‌ها سبب شد تا بخش‌هایی از رانندگان در جمع‌های هفته‌گی تقاضای اعتصاب کنند. البته درون هیئت‌مدیره برای شروع اعتصاب اختلاف بود و اکثریت عقیده داشتند که برای اعتصاب آموزش و آگاهی کافی وجود ندارد و نباید اعتصاب کرد. سندیکا به این منظور اطلاعیه‌ی آموزش اعتصاب منتشر کرد اما به محض این‌که اطلاعیه به دست رانندگان رسید، رئیس هیئت‌مدیره، منصور اسالو، و چندین نفر از اعضای هیئت‌مدیره دستگیر شدند. این بازداشت‌ها سبب شد که کارگران رسماً و با اصرار از سندیکا بخواهند اعتصاب انجام شود و در حقیقت اعتصاب با فشار بدنه‌ی کارگری شکل گرفت. تعدادی از اعضای هیئت‌مدیره که هنوز بازداشت نشده بودند با صدور اطلاعیه‌ای، روز 4 دی‌ماه 1384 را روز اعتصاب اعلام کردند که پس از آن باز هم تعداد دیگری از اعضای هیئت‌مدیره و اعضای سندیکا بازداشت شدند. این اعتصاب که برای گرفتن مطالباتی از جمله افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، دریافت بن کارگری، ایجاد امکانات بهداشتی، رفاهی و ورزشی و . . . بود، خواسته‌ی دیگری نیز داشت که آزادی اعضای بازداشت‌شده‌ی هیئت‌مدیره و سندیکا بود. هر یک از اعضای هیئت‌مدیره، مأمور مناطق خودشان بودند و موظف بودند اول صبح و زودتر از رانندگان در منطقه حضور داشته باشند و رانندگان را دعوت به اعتصاب کنند. یکی از اعضای هیئت‌مدیره در مورد روز اعتصاب چنین می‌گوید: «من هم مسئول منطقه‌ای بودم و صبح زود و جلوتر از دیگر رانندگان به همراه یکی از دوستان در آن منطقه حاضر شدم. جلوی منطقه پر از مأموران انتظامی و لباس‌شخصی بود. تعدادی از رانندگان تعرفه‌های خودشان را گرفته بودند اما به طرف اتوبوس‌هایشان نرفته بودند و منتظر بودند. بعد از مدتی همه‌ی رانندگان رسیدند و اعلام شد که هیچ‌کس اتوبوس را از منطقه خارج نکند تا با همکاران مناطق دیگر هماهنگ باشند. تعداد دیگری از رانندگان فعال دستگیر شدند. منطقه‌ی 4 تا ساعت 11 بسته شده بود و تنها پس از درگیری توانسته بودند آن را باز کنند. فعالان اعتصاب

در منطقه‌ی 5 (توقفگاه 17 شهریور) بازداشت شده بودند و به کلانتری منتقل شده بودند، اما کارگران اعتصابی خواهان آزادی آنها شده بودند و به همین دلیل مأموران وحشتزده ساعت 8 صبح آنها را به منطقه بازگردانده بودند. در این منطقه با همکاری دوستانی که از منطقه‌ی 4 آمده بودند، توانستند اعتصاب را تا ساعت 12:30 ظهر نگه دارند. اما کانون اعتصاب منطقه‌ی 6 بود که یکی از بزرگترین مناطق اتوبوسرانی تهران به شمار می‌رفت؛ رانندگان از مناطق دیگر که اعتصابشان شکسته شده بود به آنجا رفته بودند و حتی برخی خانواده‌های خود را نیز آورده بودند که آنان نیز از خروج اتوبوس‌ها جلوگیری می‌کردند. ابراهیم مددی که همان روز از زندان آزاد شده بود نیز در آنجا حضور پیدا کرد. نیمه‌های شب بود که خبر داده بودند شهردار تهران در جمع کارگران اعتصابی حاضر خواهد شد. حضور او در منطقه 6 اتوبوسرانی برای شکستن اعتصاب بود. در چند روز بعد رانندگان بازداشت شده به تدریج آزاد شدند. شهردار هم با هیئت‌مدیره‌ی سندیکا جلسهای گذاشت و قول همکاری داد. پس از گذشت چند هفته نه اسالو آزاد نشد و نه مسئولان چراغ سبزی به خواسته‌های رانندگان نشان دادند.

شهردار ترتیب ملاقاتی را با کل رانندگان در استادیوم 12 هزار نفری آزادی داد تا شاید موفق شوند رانندگان را از همکاری با سندیکایشان منصرف کنند. بیش از 8 هزار نفر از رانندگان در این گردهمایی شرکت کردند. تمام مسئولان شرکت واحد از جمله مدیر عامل شرکت واحد به این محل آمده بودند. خانواده‌ی اسالو هم آمده بود تا شاید بتوانند قول آزادی اسالو را از شهردار بگیرند. شهردار تهران در سخنرانی خود ضمن دادن وعده‌ی رسیدگی به مشکلات رانندگان، سعی داشت کارگران را قانع کند تا با سندیکای کارگران شرکت واحد همکاری نکنند. این صحبت‌ها خشم رانندگان را برافروخت و رانندگان شعارهایی برای آزادی اسالو و حمایت از سندیکا دادند. آنان شعار «قالیباف اعتصاب یادت نره» را سر می‌دادند.

پس از آن دیگر به اعضای سندیکا در شهرداری اجازه‌ی ملاقات نمی‌دادند و مدیر عامل وقت هم که به تازگی عوض شده بود از ملاقات با اعضای هیئت‌مدیره امتناع می‌ورزید و همان حرف‌های رئیس قبلی مبنی بر این که «من سندیکا را به رسمیت نمی‌شناسم» و «شخصاً به خواسته‌های کارگران رسیدگی می‌کنم» را تحویل نمایندگان سندیکا داد. این گونه بود که تصمیم به انجام اعتصاب دوم گرفته شد. به محض توزیع اطلاعیه‌ی اعتصاب از طرف سندیکا، از سوی شهردار و مدیرعامل شرکت

واحد قرار ملاقاتی با اعضای هیئت مدیره سندیکا و در محل دفتر مدیر عامل اتوبوسرانی گذاشته شد که از طرف سندیکا مددی، رضوی و سلیمی به محل مذاکره رفتند. تا روز اعتصاب دوم یعنی 8 بهمن 84، یک هفته وقت باقی بود و این زمان برای آن گذاشته شد که اعضای هیئت مدیره فکر می‌کردند شاید بتوان در این مدت امتیازی برای کارگران گرفت و در این صورت اعتصاب متوقف شود. مذاکره در حضور عوامل حراست شهرداری، نماینده شهردار، مدیر عامل شرکت واحد و حراست شرکت واحد از ساعت 2 ظهر شروع شد و تا حدود 9 شب ادامه داشت که طرفهای مقابل اعضای سندیکا حاضر به دادن هیچ امتیازی جهت شکستن اعتصاب نشدند و تسلیم وعده‌های سر خرمن همیشگی نشدند!

بلافاصله پس از پایان مذاکره، از طرف وزارت اطلاعات تمام اعضای سندیکا احضار شدند و پس از بازجویی چندین ساعته در دادگاه انقلاب که تا ده شب ادامه داشت، تعداد زیادی از آنان به بند 209 زندان اوین منتقل شدند با این وجود اعتصاب در همان ساعات اولیه شکل گرفت و بخشهایی از شهر تحت تأثیر اعتصاب رانندگان قرار گرفت. در روز اعتصاب صدها نفر از رانندگان دستگیر شدند و روانه زندان اوین شدند. بیش از سیصد نفر در همان روزهای اولیه پس از اعتصاب از کار بی‌کار شدند. به مرور تا مدت ششماه اکثریت کارگران اخراجی به جز 45 نفر به سر کار خود بازگشتند و اعضای سندیکا هم هر کدام بعد از چندین ماه با قرارهای وثیقه‌ی صد میلیونی از زندان آزاد شدند و دارای پرونده‌های در انتظار دادگاه شدند یکی از اعضای هیئت مدیره می‌گوید: «اگر تخمینی بخواهم بگویم از سال 84 تا امروز بیش از 400 بار اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکای شرکت واحد بازداشتی داشته و ده‌ها پرونده‌ی محکومیت به خاطر فعالیت سندیکایی ایجاد شده است.

از آن پس هم فعالیت های سندیکا با افت و خیزهایی ادامه یافته است. تعداد زیادی از رانندگان در این رابطه بازداشت شده و حبس کشیدند اما این فعالیت ها بی نتیجه نبوده است. وضعیت رفاهی رانندگان شرکت واحد بهتر از قبل شده و ...

برگرفته از:

کانون مدافعان حقوق کارگر

---

[1] - اوایل دهه سی، دو بنگاه حمل و نقل درون شهری با هم در رقابت بودند، با نام های اتو توکل متعلق به حاج آقا توکل و اتو واحد متعلق به حاج آقا واحد. در دوران دکتر مصدق قرار بود طرحی اجرایی گردد که سرویس حمل و نقل شهری با مدیریت دولتی در تهران راه اندازی شود. در سال ۱۳۳۵ حاج آقا واحد توانست رقیب را از میدان بدر کرده و امتیاز تنها سرویس حمل و نقل درون شهری را به خود اختصاص دهد، و قرار شد اتو توکل هم سرویس حمل و نقل حومه تهران را پوشش دهد.

[2] - پیام سندیکا شماره 41